



فهرست مطالب

- ۲..... بحث از مطلق یا مقید بودن صحت بیع متنجس
- ۲..... عمومیت بحث نسبت به اعیان نجس
- ۲..... احتمال عمومیت بحث نسبت به غیر اعیان نجس
- ۳..... دو نکته در استدلال شیخ انصاری به «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»
- ۳..... مراد از قصد، قصد ذات فعل
- ۳..... بررسی استدلال به آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»
- ۴..... تبیین استدلال: مقابله، معنای با در بالباطل
- ۴..... اشکال اول به استدلال: سببیت، معنای با در آیه
- ۴..... جواب از اشکال: صحت استدلال حتی اگر معنای با، سببیت باشد
- ۵..... اشکال دوم به استدلال: خروج قصد از معامله
- ۵..... اشکال سوم به استدلال: عدم حرمت قصد حرام
- ۵..... اشکال چهارم به استدلال: اشکال نقضی مرحوم امام



بسم الله الرحمن الرحيم

بحث از مطلق یا مقید بودن صحت بیع متنجس

بحث در بیع عین متنجس غیرقابل تطهیری است که هم دارای منافع حلال و هم دارای منافع حرام می‌باشد. در جلسات قبل بیان شد که طبق قواعد اولیه و همچنین طبق روایات خاصه‌ای که در مورد روغن و غسل وجود دارد و از مورد آن‌ها الغا خصوصیت می‌شود، بیع عین متنجسی که غیرقابل تطهیر است و منافع حلال هم دارد جایز است. اما سؤالی که در جلسه قبل مطرح شد این است که آیا صحت معامله مقید به قصد منافع محله و یا شرط منافع محله و یا عدم شرط منافع حرام و یا عدم قصد منافع حرام می‌باشد و یا اینکه بیع عین متنجس دارای منافع حلال مطلقاً بدون قیودی که ذکر شد، صحیح است.

عمومیت بحث نسبت به اعیان نجس

هرچند این بحث در ذیل اعیان متنجس غیرقابل تطهیر مطرح شده است اما با توجه به مبنایی که در بیع اعیان نجس پذیرفتیم - که صرف نجاست را مانع از جواز بیع عین نجس نیست و در صورت وجود منافع محله عقلایی بیع اعیان نجس مانند خون و میتة صحیح است مگر مواردی که دلیل خاص بر حرمت بیع آن‌ها وجود داشته باشد - برخی از ادله‌ای بر آن‌ها، استدلال شده است مانند آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» نسا/۲۹ عام می‌باشد و شامل هر عین نجسی که هم دارای منفعت حلال و هم دارای منفعت حرام است، می‌شود.

احتمال عمومیت بحث نسبت به غیر اعیان نجس

علاوه بر تعمیم بحث نسبت اعیان نجس، ممکن است این بحث حتی به غیر از اعیان نجس مانند سلاح و چاقو که دارای منافع حلال و حرام شایع می‌باشد، تعمیم داده شود و در صحت بیع این امور قصد منافع حلال و یا عدم حرام را شرط بدانیم و بگوییم در صورتی که قصد حرام کند معامله اکل مال به باطل باشد البته این تعمیم دارای اشکالاتی نیز می‌باشد.



دو نکته در استدلال شیخ انصاری به «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»

مرحوم شیخ به این آیه شریفه بر مشروط بودن صحت بیع استدلال کرده‌اند. دو نکته در استدلال شیخ بر این آیه وجود دارد.

۱. نکته اول اینکه شیخ انصاری در ابتدا به این آیه بر مشروط بودن صحت بیع متنجس به قصد منافع حلال

تمسک می‌کنند ولی در ادامه کلام خود می‌فرمایند برای اینکه معامله اکل مال به باطل نشود، لازم نیست که

قصد منافع حلال کنند بلکه همین‌که قصد منافع حرام از معامله اعیان متنجس و یا اعیان نجس نکنند، بر این

معامله اکل مال به باطل صدق نمی‌کند و قصد حرام را مضر در صحت بیع می‌دانند.

۲. نکته دوم اینکه شیخ ابتدا این شرط درجایی که منافع حلال نادر باشند، مطرح می‌کنند و در این موارد شرط

عدم قصد حرام را مطرح می‌کنند ولی در ادامه، بحث را تعمیم داده و قائل به لزوم این شرط حتی در مواردی

که منافع حلال شایع باشند، می‌شوند.

مراد از قصد، قصد ذات فعل

نکته مهم دیگری لازم است ذکر شود، این است که مراد از قصد، قصد ذات فعل می‌باشد و در قصد، لازم نیست که ذات فعل به همراه عنوان حلال یا حرام مورد توجه باشد بلکه اگر قصد منافع حلال را و یا اینکه عدم قصد منافع حرام را شرط دانستیم، قصد ذات فعل و یا عدم قصد ذات فعل کفایت می‌کند و نیازی به قصد عنوان حلیت و حرمت نیست.

بررسی استدلال به آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»

بحث در استدلال به آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» نسا/ ۲۹ می‌باشد.

این تعبیر در آیات دیگری از قرآن نیز به کار رفته است مانند «وَ أَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» نسا/ ۱۶۱ و یا «يَا أَيُّهَا



الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» توبه/ ۳۴ که در مذمت علمای یهود یا نصارا به خاطر اکل اموال مردم به باطل، می باشد.

تبیین استدلال: مقابله، معنای با در بالباطل

در اینکه در آیه شریفه با بالباطل به چه معنا است دو احتمال وجود دارد احتمال اول این است که با به معنای مقابله باشد و احتمال دوم این است که با به معنای سببیت باشد و در صورتی استدلال به آیه فوق بر مشروط بودن صحت بیع متنجس صحیح است که با به معنای مقابله باشد که در این صورت مراد آیه عوض و معوض می باشد و قصد منافع حرام از عین متنجس، موجب این می شود که معوض باطل باشد و مصداق اکل مال به باطل باشد و در آیه شریفه با به معنای مقابله می باشد.

اشکال اول به استدلال: سببیت، معنای با در آیه

در پاسخ به استدلال فوق بیان شده است که معنای با در آیه شریفه، مقابله نیست بلکه با در آیه شریفه به قرینه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» و روایاتی که در ذیل این آیه آمده است، ناظر به این است که با عقود و اسباب غیر صحیح در اموال دیگران تصرف نکنید و با به معنای سببیت می باشد که در این صورت این آیه، دلالتی به عوضین و اینکه قصد حرام موجب این می شود که عوضین باطل باشد، ندارد.

جواب از اشکال: صحت استدلال حتی اگر معنای با، سببیت باشد

این اشکال بر استدلال علی رغم اینکه آقای خویی و دیگران پذیرفته اند اما وارد نمی باشد به این خاطر که حتی اگر با در آیه شریفه به معنای سببیت باشد، می توان بر این آیه استدلال کرد چون در این صورت مدلول آیه این می شود که با اسباب باطل در اموال دیگران تصرف نکنید و یک عقد از جهات مختلف یا به لحاظ شرعی و یا عندالعقلا می تواند یک عقد باطل و سبب باطل باشد و یکی از این موارد جایی است که عوضین به لحاظ شرعی دارای مالیت نباشند. بنابراین در صورتی هم که با به معنای سببیت باشد، استدلال به این آیه شریفه صحیح است. علاوه بر اینکه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» قرینه تامی بر این که با به معنای سببیت باشد، نیست همچنین در بعضی روایاتی که در ذیل این آیه وجود دارد مواردی را که عقد بر عوضینی که به لحاظ شرعی مالیت ندارند، واقع شده است مانند بیع مغنیه، اکل مال به باطل و ثمن آن را سحت می داند.



اشکال دوم به استدلال: خروج قصد از معامله

هرچند ملاک و منشأ مالیت و ارزش یک چیز منافع محله عقلائی آن چیز است اما باید توجه داشت که مورد معامله و عقد، عین می باشد نه منافع آن چیز و وقتی کالایی منفعت حلال داشت مالیت آن ثابت می شود و معامله بر عین آن کالا صورت می گیرد و منافع آن چیز عوض یا معوض واقع نمی شوند و دخالت آن ها در معامله به نحو داعی و حیثیت تعلیلیه می باشد و خارج از عقد می باشد و دخالت منافع به نحو حیثیت تقییدیه و جزء انضمامی معامله نیست تا با عدم قصد آن، معامله هم باطل شود و شاهد آن هم این است که اگر کالایی به قصد منافع محله خریداری شود اما به هر دلیل از آن انتفاع برده نشود، معامله صحیح است و از آنجاکه منافع و قصد آن ها امری خارج از عوضین و معامله می باشند، نمی توانند در صحت و یا بطلان معامله نقش داشته باشند و لذا بیع عین متنجس حتی در صورتی که قصد منافع حرام کند، صحیح است چون مبیع که عین متنجس باشد دارای مالیت است و ثمن در مقابل امری که مالیت دارد، قرار گرفته است و اغراض خارج از متعلق عقد و معامله می باشند.

اشکال سوم به استدلال: عدم حرمت قصد حرام

اشکال سوم به استدلال این است که بنا بر نظر مشهور محققین، صرف قصد حرام، مادامی که عملی انجام نشده است چیزی بیش از تجری نیست و حرام نمی باشد و تنها قبح فاعلی در اینجا ثابت می شود و عقلا مادامی که فعلی رخ نداده است عقاب و مجازات را صحیح نمی دانند و نمی توان آن را مضر به صحت معامله دانست.

اشکال چهارم به استدلال: اشکال نقضی مرحوم امام

اشکال چهارمی که به استدلال وارد شده است، یک اشکال نقضی می باشد که مرحوم امام مطرح کرده اند و آن این است که اگر استدلال فوق صحیح باشد لازمه اش این است که همه چیزهایی که نجس نیستند و دارای منافع حلال و حرام می باشند مانند چاقو اگر به قصد منافع حرام، خرید و فروش شوند معامله آن ها باطل باشد در صورتی که هیچ فقهی چنین قاعده کلی را قبول ندارد. این اشکال تنها می تواند در حد مؤیدی بر اشکالات سابق باشد. عمده ترین اشکال بر استدلال، اشکال دوم می باشد.

